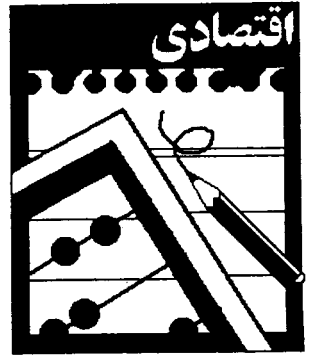


دروازه‌های وارداتی بسته شد



بخش اول:

حرکتهای چرخشی

- سنت‌های بازرگانی ایران در حال تغییر است.
- دروازه‌های باز وارداتی بسته شده است، و دروازه‌های وارداتی در آینده از جایگاه دیرینه آن به محدوده‌های تازه‌ای انتقال می‌یابد.
- انبارهای کالا در آینده نه در تهران و در چند شهر بزرگ دیگر، که در مناطقی جدید متمرکز خواهد شد.
- صادرکنندگان و صادرات کالاهای غیرنفتی دوران جدید و شرایط نوینی را باید تجربه کنند.
- چالشی همه جانبه و فراگیر در انتظار تمامی دست‌اندرکاران واردات - صادرات و امور مالی و خدمات است. برنامه‌ها و اقدام‌هایی که از آغاز خرداد سال جاری شروع شده، گرچه مرحله به مرحله، و در قالب مقررات و تعاریف پیچیده فنی ارائه می‌شود، اما چنانچه با دید نقادانه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، نشان از شروع دورانی تازه در بازرگانی داخلی و خارجی ایران می‌دهد.
- مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدام‌هایی که طی دو ماهه اخیر اعلام، و یا اجرای آنها شروع شده از این قرار است:

روز اول خرداد یحیی آل اسحاق وزیر بازرگانی اعلام کرد بر اساس طرح تنظیم بازار، برای جلوگیری از اغتشاش در قیمت و توزیع کالا، فروشندگان از امروز مکلف به الصاق برچسب قیمت بر روی کالاهایشان هستند. همچنین کلیه واردکنندگان و تولیدکنندگان موظفند در سطح عمده فروشی اقدام به صدور برگه فروش کنند.

اعلام این تصمیم در اقتصادی که «باز» و تابع «قانون عرضه و تقاضا» و «ساز و کار بازار» اعلام شده بود بازتاب‌های گوناگونی داشت.

اقتصاددانان، کارشناسان امور بازرگانی داخلی و خارجی و تحلیل‌کنندگان مکتب‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی سرگرم بررسی و تجزیه و تحلیل علل اتخاذ این تصمیم شدند، اما هنوز قلم را برای نوشتن اولین سطور استنتاجات خود بر کاغذ نگذاشته بودند که با دومین حرکت چرخشی در سیاست‌های اقتصادی کشور مواجه شدند.

روز هفتم خرداد مقرراتی در زمینه واردات و صادرات اعلام شد که نه در قالب برنامه‌های آزادسازی اقتصادی مصوب مجلس بود، و نه با اصول پایه‌ای این سیاست انطباق داشت. این برنامه تحت عنوان «تصمیمات تازه برای کنترل و کاهش تقاضای ارزه» و «مصوبه کمیته تنظیم بازار ارزه» اعلام و اجرا شد. سرفصل‌های مهم برنامه مورد بحث شامل موارد زیر است.

- کلیه واردات کالا منحصراً باید از طریق شبکه بانکی کشور انجام شود.
- کلیه کالاهای وارداتی باید نزد وزارت بازرگانی ثبت سفارش شود.
- کلیه ثبت سفارش‌های انجام شده در سال ۱۳۷۲ که معاملات خود را از طریق شبکه بانکی کشور انجام نداده‌اند و کالاهای آنها به کشور وارد نشده است باطل اعلام می‌شود.

- انواع واردات در مقابل صادرات مشمول مقررات فوق بوده و در صورتی مجاز است که ابتدا ارز حاصل از صادرات به شبکه بانکی کشور معرفی و از محل آن واردات انجام شود.

- استفاده از ارزشهای دارای منشأ

داخلی برای تأمین تمام یا بخشی از واردات به شیوه فوق غیرقانونی محسوب می‌شود و مشمول مقررات قاچاق ارز خواهد بود.

- نرخ ارز صادراتی کماکان ۵۰ ریال کمتر از نرخ بازار آزاد خواهد بود.

- خروج یا حواله ارز خارج از کانال بانکی، غیرقانونی تلقی می‌شود و کلیه خریداران و فروشندگان حواله‌های ارزی که مبادرت به معامله ارز برای تحویل در خارج از کشور می‌کنند مشمول مقررات قاچاق ارز شده و طبق قانون مجازات اخلال‌گران اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ تحت پیگرد قرار می‌گیرند.

در همین‌جا، و پیش از آن که سایر تحولات اخیر اقتصادی را پی بگیریم ذکر یک مورد خاص را در اولویت قرار می‌دهیم:

در روز اعلام همین تصمیمات (۷ خرداد) نرخ فروش هر دلار در بازار آزاد ۲۸۵۰ ریال و نرخ فروش آن در سیستم بانکی برای عملیات واردات در مقابل صادرات ۲۵۹۰ ریال بود. همین نرخ در روز تهیه این گزارش (۱۶ تیرماه) به ۲۳۶۰ ریال در بازار آزاد و ۲۳۶۰ ریال در شبکه بانکی (واردات در مقابل صادرات) کاهش یافت.

این نوسان را از دو دیدگاه مطرح می‌کنیم. فرض آن است که در همان روز ۷ خرداد واردکننده‌ای برای وارد کردن یک کالای ضروری از شبکه بانکی دلار ۲۵۹۰ ریالی خریداری کرده است، کالای او با هواپیما حمل شده و در روز ۱۶ تیرماه عملیات ترخیص کالا به پایان رسیده و باید آن را به خریدار عرضه کند. آیا باید مبنای قیمت خرید خود را دلار ۲۵۹۰ ریالی روز ۷ خرداد قرار دهد یا دلار ۲۳۶۰ ریالی روز ۱۶ تیرماه؟ (جواب هرچه باشد نتیجه یکی است: عدم ثبات نرخ ارز اعمال کنترل قیمت‌ها در سطح عمده و خرده‌فروشی را زیر سؤال می‌برد.)

عکس این قضیه هم صادق است. بدین ترتیب که فرض بر این است روز ۷ خرداد صادرکننده‌ای با سپردن پیمان ارزی کالایی را (یا از قبل دانسته و یا در همان روز خریده) صادر کرده است. روز ۱۶ تیرماه بانک خارجی (متعهد خریدار

کالا) وصول کالا را اعلام و وجه آن را حواله کرده است. در این روز سیستم بانکی دلار حاصل از صادرات این صادرکننده را به چه بهائی خواهد خرید؟ به قیمت روز ۷ خرداد، یا پنج تومان زیر قیمت بازار آزاد ارز در روز ۱۶ تیرماه (توجه داشته باشیم که نرخ ارز در بازار آزاد در این روز با نرخ بانکی آن هیچ تفاوتی نداشت و در هر دو مورد طبق اعلام روزنامه‌ها هر دلار ۲۳۶۰ ریال بود). آیا سیستم بانکی که متعهد است دلار را ۵ تومان زیر قیمت نرخ آن در بازار آزاد بفروشد در چنین حالتی دلار این قبیل صادرکنندگان را ۲۳۶۰ ریال می‌خرد و بعد آن را با ۵۰ ریال ضرر یعنی هر دلار ۲۳۱۰ ریال به یک متقاضی واردات می‌فروشد؟

البته از یاد نبرده‌ایم که در مقررات کمیته تنظیم بازار آزادبندی هم به خرید سلف ارز حاصل از صادرات اختصاص یافته است. اما اولاً کمتر صادرکننده‌ای حاضر می‌شود در مورد ارز صادراتی سلف فروشی کند و ثانیاً نمی‌توان پذیرفت که اقتصاد یک کشور بر مبنای چنین مقرراتی سست و لرزانی استوار باشد.

تحولات بعدی

روز دوشنبه ششم تیرماه وزیر امور اقتصاد و دارائی اعلام کرد پیش‌نویس لایحه رفع موانع قانونی سرمایه‌گذاری خارجی تقدیم شده و انتظار می‌رود این لایحه یک ماه دیگر برای تصمیم‌گیری تقدیم مجلس شود.

روز پنجشنبه نهم تیر در سمینار یک روزه بررسی عملکرد و برنامه‌های توسعه آینده منطقه آزاد کیش وزیر بازرگانی (آل اسحاق) و مرتضی الویری مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایی عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی سخنانی گفتند که این بخش‌های آن در مطبوعات منتشر شد:

- براساس مصوبه هفته گذشته کمیته تنظیم بازار ارز، بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور موظف شدند برای واردات مواد اولیه به مناطق حراست شده گمرکی گشایش اعتبار کنند.
- در مناطق آزاد از این پس شاهد

۴ نوع فعالیت بانکی خواهیم بود ۱- شعب بانکهای داخلی که طبق اساسنامه بانکهای کشور فعالیت می‌کنند ۲- اجازه تأسیس شعبه توسط بانکهای خارجی در این مناطق طبق ضوابط بانکی ایران ۳- فعالیت بانکداری برون مرزی (اف شور) بر مبنای اصول بین‌المللی. در این روش ریال ایران مبنای کار نیست و بانکهای ایران نیز می‌توانند طبق آن فعالیت کنند ۴- ایجاد مؤسسات اعتباری غیربانکی.

در همین سمینار مطالب دیگری هم اعلام شد که کمتر مورد توجه قرار گرفت، اما بی‌تردید در روند آینده اقتصاد و بازرگانی داخلی و خارجی ایران تأثیرگذار خواهد بود.

چنین گفته شد که در شرایط کنونی که تنگنایهای ارزی یک عامل محدودکننده در زمینه واردات (و بویژه واردات مواد اولیه) است بانکهای خارجی، بانکها و مؤسسات اعتباری ایرانی و مناطق آزاد و حراست شده می‌توانند به عنوان یک مجموعه مثبت عمل کنند. بدین قرار که از طریق بانکهای مستقر در مناطق آزاد - از جمله بانکهای خارجی - برای واردات گشایش اعتبار می‌شود، کالای وارداتی در گمرکات مناطق آزاد و حراست شده (مثلاً منطقه حراست شده سیرجان) انبار خواهد شد، آنگاه بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور به طور موردی برای ترخیص این کالاها LC صادر خواهند کرد.

خبرنگارانی بودند که از مکانیسم چنین شرایطی سردنیابورند. LC در موردی کاربرد دارد که یک خریدار قصد خرید کالاهایی را از یک کشور خارجی دارد. بانک مرکزی و یا شبکه بانکی کشور خریدکننده از طریق LC تضمین پرداخت وجه کالا را به فروشنده خارجی می‌کند. لذا این که کالایی از طریق LC شبکه بانکهای داخلی و خارجی مستقر در مناطق آزاد وارد این مناطق یا مناطق حراست شده گمرکی شود، و آنگاه با LC دیگری که از شبکه بانکی کشور صادر خواهد شد، ترخیص کلی یا موردی شود مبهم و غیرقابل توضیح ماند.

در سمینار مورد بحث گفته شد مناطق آزاد به صورت سکوهایی صادراتی کشور درخواهند آمد، اما گفته نشد ساختار این سکوها چگونه است.

تناقضی آشکار احساس می‌شد بین آن گفته نخستین مبنی بر این که مناطق آزاد و حراست شده به صورت دروازه‌های وارداتی و انبارهای دیوی این کالاها درخواهند آمد و این گفته که مناطق آزاد سکوهایی صادراتی ایران خواهند شد.

تناقض زمانی عمیقاً احساس می‌شود که اشاره کنیم در پرورش برنامه سمینار مورد بحث که از قبل توزیع شده بود، نشانی از حضور وزیر بازرگانی در این سمینار و ایراد سخنرانی در آن به چشم نمی‌خورد. اما وی که ظاهراً در همراهی با حیدرعلی‌اف رئیس جمهوری آذربایجان همان روز به کیش آمده بود در سمینار حضور یافت و سخنانی ایراد

هم با نظارت و تأیید وزارت بازرگانی، و ارزی ارز حاصل از صادرات به سیستم بانکی، الزام به تهیه ارز برای واردات از طریق سیستم بانکی، محدود شدن سقف کالای همراه مسافر و دهها مورد دیگر مبین این است که دروازه‌ها بر روی واردات بسته شده است. مزید بر همه دلایل پیش گفته شده، تنگنایهای ارزی کشور است که به گفته یکی از مسئولین تراز اول و آگاه شرکت‌کننده در سمینار کیش:

«متوجه شده‌ایم سالی ۹ میلیارد دلار مازاد بر آن چه که باید، خرج شده است»
۹ میلیارد در چند سال؟ معلوم نیست.



کرد که توجه به بخشی از آن ضروری است. آل اسحاق گفت:

«اگر ما آینده روشن این مناطق [آزاد] را می‌خواهیم باید عملکرد آنها را با نظام اقتصادی کشور هماهنگ سازیم. در غیراین صورت مقاومت در برابر شیوه فعالیت آنها اجتناب‌ناپذیر است.»

سردرگمی همه‌جانبه

تردید نیست که دوره دروازه‌های باز در برابر واردات بی‌رویه و بی‌حد و مرز کالاها به پایان رسیده است. الزام به ثبت سفارش، به مصرف رساندن درآمد حاصل از صادرات برای واردات (آن

انتقال ارز دوباره برقرار شد و تا اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ ادامه یافت؟ که فعلاً پاسخ به آن در حوصله این یادداشت نیست. بنابراین نتیجه می‌گیریم که سیاست‌های جدید تنظیم معاملات کالا و ارز که با قاچاق کالا و ارز مخالف است و ورود و خروج هر دو را محدود به کانال گمرک و بانک می‌کند، در واقع اصلاح اختلالی است که قبلاً وجود داشت و جزو همان مجموعه سیاست‌های اصلاحات اقتصادی و در ادامه آن تلقی می‌شود.

در مقابل این اظهارنظر، ما سخنان مرتضی‌الویری - مشاور رئیس‌جمهور و دبیر شورایی عالی مناطق آزاد - را در کنفرانس کیش داریم که گفت:

از سال ۵۸ تا ۲۲۵/۴ میلیارد دلار واردات و ۱۴/۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشته‌ایم. یعنی در برابر هر ۱۵ دلار واردات یک دلار کالای غیرنفتی صادر کرده‌ایم. ما سیزده سال دیگر در اقتصاد خود دلار نفتی نخواهیم داشت و باید به صادرات نظر داشته باشیم.»

طبعاً وقتی از یک مجموعه که سیاست واحدی را تشکیل می‌دهند (و در اینجا نام آن آزاد سازی اقتصادی است) قسمت‌هایی حذف می‌شود (قیمت‌گذاری - محدودیت واردات - کنترل ارز و ...) دیگر نمی‌توان گفت کارهای آینده همان سیاست است. بخش‌های عمده‌ای از سیاست‌های حاکم بر اقتصاد کشور طی ماههای اخیر، تغییر کرده یا در آینده دستخوش تغییر خواهد شد. اینکه آن چه اهمیت دارد اطمینان یافتن از کارآئی سیاست‌های جدید است. و بنای این گزارش بر آن گذاشته شده که نظریات اقتصاددانان و دست‌اندرکاران واردات و صادرات را در زمینه کارآئی خط‌مشی‌های تازه جویا شویم.

متأسفانه کلی‌گویی و کلی‌نویسی در زمینه مقررات جدید ارزی، بازرگانی (بویژه صادرات - واردات) موجب شده است که عده‌ای از فعالین امور اقتصادی و بازرگانی نتوانند نظریات قاطع و روشنی در مورد پی‌آمدهای این مقررات و سیاست‌ها ارائه دهند که بخش‌های بعدی گزارش، مؤید همین واقعیت است.

ضمناً گفتنی است که ما در سمینار کیش از فرصت استفاده کردیم و

تجارت در ایران دگرگون می شود

سؤالانی که در همین زمینه را به آقای مرتضی الوری تسلیم کردیم. متن سؤالات از این قرار است:

لطفاً نظریه و استنباط خود را از اجرای سیاستهای جدید ارزی دولت در موارد زیر اعلام فرمائید:

۱- تصمیمات کمیته تنظیم بازار آزاد

ارز چه تأثیری بر روند واردات کشور، خصوصاً در زمینه واردات کالاهای سرمایه‌ای، مواد اولیه و وسائل یدکی خواهد داشت؟

۲- با توجه به اجبار صادرکنندگان به وارسیز درآمدهای ارزی حاصل از صادرات به سیستم بانکی و ملزم بودن به اینکه یا خود این ارز را به مصرف واردات برسانند و یا آن را به سیستم بانکی بفروشند آیا انگیزه برای صدور کالاهایش نخواهد یافت؟

۳- آیا چنین الزامی در همراهی با ضوابطی چون اجبار به ثبت سفارش در وزارت بازرگانی، گشایش اعتبار از طریق سیستم بانکی، سپردن تعهد برای وارسیز

ارز صادراتی، و دیگر ضوابطی که در یکی دو ماهه اخیر برای واردات اعلام شده مغایر با سیاست آزادسازی اقتصادی نیست. آیا اتخاذ این تدابیر و اجرای آنها را نمی‌توان به عنوان عدول غیرمستقیم از سیاست دروازه‌های باز تلقی کرد؟ و اگر پاسخ به این دو سؤال مثبت است آیا نمی‌توان گفت که اقتصاد کشور اکنون در زمینه آزادسازی اقتصادی دو مسیر متفاوت را می‌پیماید که در یکی از آنها سیاست آزادسازی از طریق فروش کارخانه‌ها و مؤسسات دولتی به بخش خصوصی، تعدیل نیروی انسانی، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در کشور و... جریان دارد، و در دیگری

دخالت دولت در سازوکار بازار (از اعمال نظارت بر درآمدهای ارزی بخش خصوصی گرفته تا نظام کنترل قیمت‌ها)...

اما متأسفانه علی‌رغم وعده مساعدی که آقای الوری دادند تا آخرین لحظات پاسخ‌های ایشان را دریافت نکردیم. در هر حال این ۴ سؤال همان سئوالهایی است که با اقتصاددانان و دست‌درکاران صادرات و واردات در میان گذاشته‌ایم و پاسخ‌های آنها را در سطور و صفحات آتی می‌خوانید.

صادرکننده سر درگم، واردکننده بلا تکلیف

بخش دوم:

دیدگاههای صادرکنندگان و تولیدکنندگان

دوران پررونق کسب و کار واردکنندگان - بویژه واردکنندگان کالای لوکس و غیر ضروری - پایان یافته است. در کیش وقتی سراخ لوازم صوتی و تصویری می‌رفتیم خود فروشنده‌ها توضیح می‌دادند که دیگر بردن ضبط صوت و تلویزیون و این قبیل کالاها به آن سوی آب صرف ندارد. یک تلویزیون رنگی ۲۱ اینچ سانپو - آن هم ساخت بازار مشترک - ۹۵ هزار تومان. رقمی بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان هم هزینه گمرکی آن خواهد بود.

اما آیا دوران تحرکی که اخیراً در زمینه صادرات کالاهای غیر نفتی ایجاد شده بود نیز سر رسیده است؟ با چند صاحب صنعت که ضمناً دستی در صادرات دارند به گفتگو نشستیم. توضیحاتی داده‌اند که قابل توجه است، اما نمی‌تواند جامع باشد، و این عدم جامعیت هم ناشی از آن است که ضوابط و مقررات جدید پر از ابهام و نارسایی است.

گفتنی است که از بطن همین اظهارنظرها می‌توان به روحیه متزلزل و

عدم اطمینان تولیدکنندگان و صادرکنندگان نسبت به فعالیت‌های آینده پی برد.

مهندس بهروز فروتن مدیر عامل شرکت بهروز (تولیدکننده و صادرکننده مواد غذایی) نظریات خود را پیرامون تحولات مورد بحث چنین ارائه می‌دهد: تصمیمات اخیر کمیته تنظیم بازار ارز، از دو دیدگاه قابل بررسی است، نخست اینکه با افزایش روزافزون قیمت دلار که تا مرز ۳۰۰۰ ریال پیش رفت، منطقی‌ترین راه دخالت بانک مرکزی در این بازار تب‌آلود بود، کما اینکه این دخالت منجر به پائین آمدن قیمت دلار شد و قیمت آن را ولو به‌طور موقت تحت کنترل آورد. بانک مرکزی در گذشته نیز چنین دخالت‌هایی کرده بود، اما تأثیر این تصمیم‌گیری‌ها در بعد اجرایی آن قابل بررسی است، و مسلماً این تصمیمات نمی‌تواند در زمینه صادرات و افزایش تولید تأثیر مثبتی داشته باشد به دلایل زیر:

الف - هیچ تضمینی دال بر توانایی سیستم بانکی کشور وجود ندارد که بانکهای ما بتوانند تأییدیه اعتبارات اسنادی گشایش یافته را از بانکهای ذینفع خارجی اخذ کنند، لاقلاً در ۲ سال اخیر ثابت شده که اعتبارات اسنادی دیداری توسط بانکهای ایرانی با تأخیرهای حتی بیش از

یکسال مواجه شده است.

در کشورهای خارجی فروشنده‌ها کالا (صادرکنندگان) با ارائه اسناد حمل به بانک مرکزی کشورشان آنها را بلافاصله به پول نقد تبدیل می‌کنند، و این سیستم بانکی آن کشورها هستند که منتظر تأمین وجه می‌مانند.

تأخیرهای طولانی موجب می‌شود که نه تنها شرکت‌های فروشنده بلکه بانکهای خارجی نیز از قبول اعتبارات اسنادی ایران خودداری کنند، این موضوع از عواملی بوده که واردکنندگان کالا را ناچار کرده ارز را به صورت نقد از بازار آزاد تهیه کنند، و این امر افزایش قیمت ارز در بازار تأثیر گذاشته است. وقتی کالاهای ساخت داخل و به‌طور کلی تولید کشور با چنین مشکلاتی برای تأمین ارز مواجه شود مسلماً قیمت تمام شده کالای ساخت داخل نخواهد توانست با قیمت‌های بازار جهانی رقابت کند و همین امر صادرات کشور را زیر سؤال می‌برد.

ب - در تصمیمات اخیر امکان استفاده از مجوز خروج کالا (واریزنامه) توسط اشخاص حقوقی غیر صادرکننده اصلی کالا حذف شده است. به عبارت دیگر اگر صادرکننده کالا وارداتی در قبال صادرات خود نداشته باشد موظف است ارز حاصل از صادرات را منحصراً

به سیستم بانکی کشور بفروشد، آن هم به نرخ کمتر از نرخ بازار آزاد! در نتیجه انگیزه که مهمترین عامل در تولید و افزایش صادرات است از بین می‌رود و بتدریج حجم صادرات کاهش خواهد یافت، و در برابر شغل‌های کاذب و کارهای واسطه‌گری رونق می‌گیرد. چنین شرایطی البته مغایر با آن هدفی است که آن را توسعه صادرات غیر نفتی نام نهاده‌اند و قرار است از طریق آن ۲۱ میلیارد دلار از هزینه‌های لازم برای اجرای برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی را تأمین کنند.

حذف انگیزه صادرات

مهندس جعفر ارضاء دبیر اتحادیه صادرکنندگان محصولات معدنی ایران وابسته به اطاق بازرگانی و صنایع و معادن به «گزارش» گفته است: مقرراتی را که از سوی کمیته تنظیم بازار ارز تدوین شده، زود هنگام و قبل از فراهم آوردن امکانات اجرایی آن اعلام و اجرا کرده‌اند. راجع به اینکه بانک مرکزی می‌گوید ارز صادرکننده را می‌خریم بحثی نداریم، ولی باید نرخ خرید ارز برای مدتی (حدالقل سه ماه) ثابت و به دور از نوسانات باشد تا صادرکننده بتواند روی رقم خریداری شده توسط بانک مرکزی حساب کند، وگرنه اگر هر روز